

جمع‌بندی خاصی از مبانی رسیده است؛ بنابراین کوشش در جهت ارائه مدلی در توسعه در مقابل مدل هژمون سرمایه‌داری معتبر و با توجه به مبانی نپذیرفتنی مدل سرمایه‌داری، صائب و مقدس است.

– با این حال هنوز الگویی در برابر الگوی مسلط توسعه نتوانسته قد علم کند؛ حتی با توجه به اینکه در درجات مختلف، مباحث بسیاری در عرصه‌های علمی و نظری در برابر این رویکرد مسلط شکل گرفته است. دقیقاً از همین روست که الگوی نهادی نیز به پای این جزء اول توسعه مهم و حیاتی قلمداد شده است. در واقع تا وقتی که الگویی برای ابداع و چپش نهادها وجود نداشته باشد، تلاش بسیار برای ارائه مبانی نظری الگویی متمایز از توسعه به مثابه کوبیدن آب در هاون است. همان طور که بیان شد، این الگوی نهادی است که می‌تواند اخلاقیات خود را منتشر و منعکس نماید.

– صرف‌نظر از کارآمدی، هر رویکردی در توسعه در بطن خود، طرحی نهادی برای گسترش و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را داراست. این طرح نهادی، هم مشتمل بر نهادهای ابداعی و اصلاح‌شده است و هم مشتمل بر نظامی از چپش این نهادها در نسبت با هم. بدیهی است آسیب‌شناسی و نحوه طی مطلوب مسیر نیز یکتا و خاص آن رویکرد است.

– تعبیه نهادی چه به‌طور صریح و چه به‌طور ضمنی، مبانی اخلاقی خود را منعکس و منتشر می‌سازد. به عبارت دیگر، طرح‌های نهادی گونه‌گون نسبت به اهداف و غایات توسعه لا‌بشرط نیستند، بلکه هر طرحی غایات منطقی در درون خود را فراگیر می‌سازد. این یکی از مهم‌ترین گزاره‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم عمر خود نیازمند توجه جدی به آن است. تجربه ۳۵ ساله این نهال مقدس نشان داده که بیشترین آسیب‌ها به آن، از رهگذر نادیده انگاشتن این گزاره و تبعات آن وارد شده است.

Musavisaeid@chmail.ir*

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مطالعه در این زمینه به کتاب «نظریه‌های اقتصادی توسعه؛ تحلیلی از الگوهای رقیب» اثر دایانا هانت که به وسیله نشر نی منتشر شده است، رجوع کنید.
۲. برای مطالعه در این زمینه رجوع کنید به کتاب «جهانی‌سازی و مسائل آن»، اثر جوزف استیگلیتز که توسط نشر نی منتشر شده است.
- ۳.
۴. Development.
۵. Frontier.
۶. رجوع کنید به ادبیاتی که در ذیل عنوان «رویکرد توانمندی» ایجاد شده است. همچنین صاحب‌نظران رویکرد اخلاق و توسعه، به چنین دریافتی از توسعه بسیار نزدیک هستند. البته شوربختانه این رویکردها در محیط‌های علمی ایران معاصر که هنوز در بند رویکردهای سنتی توسعه است، شناخته‌شده نیست و یا کمتر شناخته‌شده است.
۷. Progress.
۸. Globalization.
۹. رجوع کنید به رویکرد پساتوسعه که به‌طور مشخص از فیلسوفان قاره‌ای اروپای قرن بیستم، یعنی مارتین هایدگر، میشل فوکو و سایر اندیشمندان پسااستارگرا و پسا مدرن متأثر است.
۱۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتاب «ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی» اثر داگلاس نورث که توسط نشر نی منتشر شده است.
۱۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله «واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سِرل»، اثر مشترک دکتر محمدعلی عبداللهی و محمدتقی جان‌محمدی.
۱۲. نگاه کنید به مجموعه مقالاتی که در تارنمای زیر راجع به این موضوع منتشر شده است: www.Mrsi.ir

طراحی و اقدام نهادی برای نیل به سرمایه‌داری.^{۱۰}
روش‌شناسی مطالعات تاریخی نورث در باب موانع نهادی برای گذار به سرمایه‌داری در کشورهای توسعه‌نیافته، الهام‌بخش مطالعات زیادی از سوی اندیشمندان در کشورهای مزبور بوده است. مثلاً یکی از دستورهای کاری نورث برای ایران می‌تواند این باشد که نهاد مالکیت به مثابه یکی از نهادهای متضمن توسعه مادی کشورهای توسعه‌یافته، بر اساس چه موانعی در ایران همواره مورد تهدید بوده و بدین ترتیب کارکرد خود را به نحو شایسته‌ای در راستای رشد و توسعه اقتصادی ادا نموده است.

همچنین در بطن این مطالعات و یا موازی با آن، فیلسوفان تحلیلی به اندراج اخلاق، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در ذات نهاد پی بردند. مباحث زیادی حول چگونگی بسط اخلاقی از رهگذر تعبیه نهادها در موطن‌های گونه‌گون صورت پذیرفته است.^{۱۱} مطالعات فوق‌الذکر به خوبی نشان می‌دهند که نهادها قادرند و یا بهتر است بگوییم اساساً و ذاتاً چنین هستند که مبانی اخلاقی، رفتاری و هستی‌شناسی خود را منعکس و منتشر می‌نمایند. به عبارت دیگر، پایه‌گذاری بسته نهادی یک الگوی توسعه در کشورهای در حال توسعه، خودبه‌خود وجه اول آن الگوی توسعه را نیز پشتیبانی می‌کند. بهتر است بگوییم بین جزء اول الگوی توسعه و جزء دوم آن رابطه‌ای دیالکتیکی برقرار است؛ چه اینکه هم گرایش مردمان به دیدگاه غایت‌شناسانه و انسان‌شناسانه سرمایه‌داری امکان گذار نهادی را ساده می‌کند و هم انتقال نهادهای متضمن توسعه در این کشورها، مردمان را به سمت دیدگاه‌های فوق و فرهنگ سرمایه‌داری مشتاق می‌سازد.

در اینجا به عنوان بحث آخر، باید به این نکته اشاره شود که پی‌ریزی الگوی توسعه متفاوت، بیش از آن که قابل مهندسی باشد، خودانگیخته، تطوری و تکاملی است. از این منظر آنچه در این فرآیند دارای اهمیت اساسی است، در صدر قرار دادن منطق عمل متفاوتی است که در ادامه راه از عهده تأسیس نهادهایی که متضمن اخلاقیاتش باشد، بر خواهد آمد.

بنابراین اگر انسان‌ها متقاعد شوند تا مبتنی بر منطق عمل غیرسرمایه‌دارانه به فعالیت اقتصادی روی آورند، در بلندمدت امکان پی‌ریزی نظام نهادی متفاوت و بنابراین الگوی توسعه‌ای متمایز از سرمایه‌داری وجود خواهد داشت. بدون التزام به منطق عملی که از فلسفه اخلاق اسلامی نشأت گرفته، نمی‌توان امید به دراندازی طرحی نو در عالم داشت؛ اما در این میان باید چشم امید به ذکاوت اندیشمندان، فعالان اقتصادی و سیاست‌مدارانی داشت که مبتنی بر فهمی که از این موضوع بدان نائل شده‌اند، با ابداع فناوری‌های نوین اجتماعی و بازسازی فناوری‌های غربی از یک طرف و تعبیه ماهرانه این نظام نهادی نوین در سطح جامعه و در بطن نظام اقتصادی از سوی دیگر، امکان مبادرت کردن به این منطق عمل اسلامی را میسر می‌سازند. منطق عملی که با وام گرفتن از ادبیات مرحوم صدرا، سعی دارد در ذیل توجه به تکامل افقی و توسعه صور زیستی، مقدمات تکامل عمودی و معنوی را نیز مهیا سازد.^{۱۲}

جمع‌بندی

– در عرصه مطالعات توسعه، اگرچه از الگوهای متفاوت توسعه سخن به میان آمده است، با توجه به تعریف دقیق الگو در عمل، تنها و تنها با یک الگو در عرصه توسعه مواجه هستیم و آن چیزی نیست جز سرمایه‌داری. از این منظر می‌توان از انواع سرمایه‌داری سخن به میان آورد؛ اما از الگوهای مختلف توسعه نمی‌توان سخن گفت.

– هر برداشتی از توسعه نهایتاً در بطن خود، معنایی خاص از انسان و هستی را تصریح می‌کند. الگوی مسلط توسعه در خوانش‌های مختلف، خود در نهایت به